



حضور شیطان در زندگی انسان

فاطمه محمدی رحیمی
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی

چکیده

انسان همواره در محیط اطراف خود تلاش می کند تا راه تکامل و تعالی را طی کند و در تمامی ادیان افراد تلاش دارند که در این مسیر، ادامه زندگی دهند. برای طی طریق بایستی ابزار و موانع را شناخت و بررسی کرد تا آگاهانه در این مسیر قدم برداریم. در این مقاله، مانع بزرگ بشریت و یا به عبارت دیگر شیطان، از منظر قرآن، شناسایی می گردد و راهکارهای لازم جهت معرفی و مقابله با او مطرح می گردد.

کلید واژه ها: ابلیس، شیطان، رابطه این دو، انسان و شیطان

مقدمه

شیطان قدرتی است که از درون و برون انسان را تهدید می کند، گاهی در غالب نفس انسان خواسته ها و غریزه های درونی را در جهت راحت طلبی و منفعت جویی وارد می شود

و انسان را از مسیر خارج می کند و انسان را به نافرمانی سوق می دهد .
 هر انسان هوشیاری می تواند واقعیت شیطان را درک کند و بشناسد و می تواند در
 رخدادهای مختلف زندگی خود و جامعه حضورش را لمس کند، به همین دلیل واقعیت
 شیطان تردید ناپذیر است . از سویی دیگر قرآن کریم به صورت گسترده موضوع شیطان را
 با نقش های متفاوت توصیف و تعریف کرده است، و نقطه های ضعف و ضربه پذیری
 شیطان را یادآور شده است تا انسان با شناخت و روشن بینی این دشمن نابکار را شناسایی
 و خود را از ضربه های احتمالی او، برهاند .

بررسی واژه شیطان

شیطان از کلمه شَطْن یعنی با نیت و هدف مخالفت می کند . رجل شاطن یعنی مرد
 بد شیطان یعنی روح شریر که جمع آن شیاطن است .^۱
 گروه دیگری آن را به معنی تبعیدش کرد، او را با طناب بست، ترجمه کرده اند .^۲
 و افرادی هم، ریشه آن را علاوه بر شَطْن، از شَطوناً به معنی دور شد دور شدنی،
 گرفته اند .^۳

نگاه اجمالی به واژه ابلیس

ابلیس نام خاص موجودی زنده، مکلف و متمرد از فرمان الهی و رانده شده از درگاه
 وی است .^۴
 ابلیس را عده ای واژه عربی بر وزن افعیل دانسته اند که از ریشه (ب ل س) اشتقاق
 یافته است . به معنی یأس، حزن، درماندن .^۵
 و گروهی هم ابلیس را به معنای گریه اعتراض آمیزی که از شدت ناامیدی باشد معنی
 کرده اند .^۶
 در هر صورت وجه تسمیه ابلیس، بخاطر ناامیدی از رحمت الهی است .
 واژه ابلیس در قرآن ۱۱ بار به کار رفته است، که ۹ بار آن در ضمن داستان آفرینش
 انسان و تمرد او از فرمان الهی آمده است :

سوره بقره، آیه ۳۴؛ سوره اعراف، آیه ۱۱؛ سوره حجر، آیات ۳۱ و ۳۳؛ سوره
 اسراء، آیه ۶۱؛ سوره کهف، آیه ۵۰؛ سوره طه، آیه ۱۱۶؛ سوره ص، آیات ۷۴ و ۷۵ .

آیا ابلیس همان شیطان است؟

واژه شیطان به صورت مفرد ۷۰ بار در قرآن و جمع آن ۱۸ بار به کار رفته است.^۷ شیطان اسم جنس است و نامی فراگیر برای هر موجود شریر و متمرد و فریبکار است. در بسیاری از موارد براساس گفته مفسران مقصود از شیطان یا دست کم، مصداق بارز آن همان ابلیس است.^۸

برخی نیز تصریح کرده اند که شیطان اغلب به معنای ابلیس است.^۹ و برخی دیگر، شیطان را در همه جا مرادف ابلیس دانسته اند.^{۱۰}

اما از قرآن سه مورد به عنوان نمونه آورده می شود:

مورد اول: آیه ۳۴ سوره بقره: و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس؛ و

آیه ۳۶ سوره بقره: فاز لهما الشیطان عنها...

یعنی در آیه ۳۴ ابلیس سجده نکرد و در آیه ۳۶ در رابطه با فریب حضرت آدم کلمه شیطان را می آورد.

مورد دوم: در سوره اعراف همین مورد تکرار می شود. ملاحظه کنید:

آیه ۱۱ سوره اعراف... ثم قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس

آیه ۲۰... فوسوس لهما الشیطان

در اینجا در آیه ۱۱ سخن راجع به عدم سجده ابلیس است و بعد از چندین آیه در

آیه ۲۰ نقش شیطان در فریب حضرت آدم را بیان می کند.

مورد سوم: سوره طه آیه ۱۱۶: و اذ قلنا... لادم فسجدوا الا ابلیس

سوره طه آیه ۱۲۰: فوسوس الیه الشیطان

با توجه به موارد مطرح شده، مترادف هر دو واژه ابلیس و شیطان به وضوح مبین

می گردد، و برآیند کاوش ها بر آن است که مقصود از مفرد معرفه شیطان، همان ابلیس

است. مگر آنکه قرینه ای برخلاف آن باشد و مقصود از مفرد نکره نیز همان ابلیس است.^{۱۱}

نام های دیگر شیطان

در فارسی به شیطان، دیو و اهریمن می گویند. و شیطان نامی کلی است برای

موجوداتی که انسان ها را اغوا کرده و به بدی ها و خواهش های ناشایست فرا می خواند و

انسان‌ها را از راه خدا باز می‌گرداند. ۱۲

در برخی از روایات نام اصلی ابلیس، حارث بوده که به دلیل عبادت طولانی او را عزازیل یعنی عزیز خدا خطاب می‌کردند. وی پس از عجب، ابلیس نامیده شده و پس از امتناع از سجده و رانده شدن از درگاه الهی شیطان نام گرفت. ۱۳

نام‌های دیگر او: ضریس، سرحوب، المتکون و المتکوز است. ۱۴
زرتشتیان او را نکرمینیو می‌نامند. ۱۵
امام علی (ع) می‌فرماید:

اما ابلیس فتعصَّب علی آدم لاصله، و طعن علیه فی خلقته فقال: انا ناری، و انت طینی. ۱۶

اما ابلیس به سبب ریشه خود، بر آدم، گردن افروخت و در آفرینش خود بر او طعنه زد. پس گفت: من آتشی هستم و تو خاکی هستی.
در سوره «ص» آیات ۷۱ تا ۷۴ نیز شیطان را از جنس ملائکه می‌داند.

صفت‌های شیطان

الف - عمر طولانی شیطان

شیطان مظهر پیری است و عمر طولانی دارد و طبق فرمایش مولی حضرت علی (ع) فقط ۶ هزار سال خدا را عبادت می‌کرد. ۱۷

ب - کفر شیطان

عده‌ای از مفسران معتقدند که شیطان پس از آنکه از پذیرفتن فرمان الهی برتافت، کافر شد در حالی که به استناد این آیه داریم که از اول کافر بود.

و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین.

(بقره، ۲/۳۴)

ترجمه: چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند همه سجده کردند مگر شیطان ابا و تکبر ورزید، او از کافران بود.

علامه طباطبایی می‌گوید:

نفرموده که ابلیس از سجده امتناع ورزید و تکبر کرد و کافر شد، بلکه فعل ماضی

به کار برده و می فرماید: کان من الکافرین لذا فعل کان بکار برده و این یکی از همان اموری بود که مکتوم بوده و خدا با این صحنه برملا کرد. ۱۸.

ج- تکبر و غرور

در آیات متعددی از قرآن غرور شیطان به صورت واضح مطرح گردیده است. به گونه ای که غرور او، عبادت شش هزار ساله شیطان را باطل می کند. سوره بقره، آیه ۳۴؛ سوره اعراف، آیه ۱۳؛ سوره صاد، آیه ۷۴؛ سوره حجر، آیه ۳۳؛ سوره اسراء، آیه ۶۱.

د- رانده شدن از درگاه الهی

می توان ثمره دو مورد اول و دوم و سوم را مورد آخر دانست زیرا در اثر کفر و طغیان در برابر فرمان باری تعالی (آنهم به علت غرور) از درگاه الهی رانده شد. فاخرج منها فانک رجیم (حجر، ۳۴/۱۵) پس خارج شو از آن (بهشت مطیعان) که تو رانده درگاه ما شدی.

در آیات زیر شیطان با صفت رجیم خوانده شده است. سوره صاد، آیه ۷۷؛ سوره نحل، آیه ۹۸؛ سوره تکویر، آیه ۲۵؛ سوره حجر، آیه ۱۷؛ سوره آل عمران، آیه ۳۶.

رابطه شیطان و انسان چیست؟

شیطان به واسطه برافتن از فرمان الهی، دشمن آشکاری برای انسان به شمار می آید و آیات متعددی این موضوع را تایید می کند.

قال یا بنی لا تقصص رویاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیدان الشیطان للانسان عدو

مبین. (یوسف، ۵/۱۲)

یعقوب گفت ای فرزند عزیز زنهار خواب خود را بر برادران حکایت مکن که بر تو مکر و حسد خواهند ورزید زیرا دشمنی شیطان بر آدمیان بسیار آشکار است.

یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو

مبین. (بقره، ۱۶۸/۲)

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید و پیروی نکنید و ساوس شیطان را. محققاً شیطان از برای شما دشمن آشکار است.

یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین. (بقره/۲۰۸)

ای اهل ایمان همه متفقاً نسبت به اوامر خدا در مقام تسلیم در آئید و از وساوس تفرقه آور شیطان پیروی نکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است.
و آیه ۶۲ سوره زخرف، آیه ۶ سوره فاطر نیز بر این موضوع دلالت دارد.

اهمیت موضوع

ما اگر بدانیم که شیطان کیست؟ و چه می کند؟ و از چه روشهایی استفاده می برد؟ و اهداف او چیست؟ به خوبی می توانیم در موقعیت های پیش بینی نشده شناسایی کنیم و یا از ضربات احتمالی او پیشگیری کنیم، به همین دلیل قرآن کریم آیات بسیاری را به موضوع شیطان اختصاص داده است و تجربه انسان های پیشین را در برخورد با این دشمن بازگو کرده است: ثم لا یتنبهون من بین ایدیهم و من خلفهم و عن ایمانهم و عن شمائلهم و لا تجد اکثرهم شاکرین (اعراف، ۱۷/۷)

آنگاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در می آیم تا بیشتر آنان شکر نعمت بجای نیاورند.

بسترها و زمینه های کارهای شیطان

اولین بحث آن است که شیطان نقش فراگیری دارد و دشمنی او با انسانها مختص گروه خاص و یا طبقه خاص نیست حتی پیامبران را هم در برمی گیرد.

و كذلك جعلنا لکل نبي عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف
القول غرورا و لوشاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون. (انعام، ۱۱۲/۶)

ما هر پیغمبری را از شیطان های انس و جن دشمنی در مقابل آنها برانگیختیم که آنها برخی با برخی دیگر سخنان آراسته اظهار کنند. اگر خدا می خواست چنین نبود پس اینها را بادروغشان واگذار.

لذا این آیه نشان می دهد که خدا برای هر پیامبری شیطان قرار داده است، شیاطینی از جن و انس:

وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبی الا اذا تمنى القی الشیطان فی امانته فیسنخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته والله علیم حکیم. (حج، ۵۲/۲۲)

و ما پیش از تو هیچ رسول و پیغمبری نفرستادیم جز آنکه چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد، شیطان در آیات الهی القاء دسیسه کرده، آنگاه خدا آنچه شیطان القاء کرده محو و نابود می سازد و آیات خود را تحکیم و استوار می گرداند و خدا دانا به حقایق امور و درستکار به نظام عالم است.

روش های عملیاتی شیطان

۱. وسوسه گر: فوسوس لهما الشیطان لیبدی لهما ماوری عنهما من سوءتهدما و قال ما نهکما ربکما عن هذه الشجرة الا ان تکونا ملکین او تکونا من الخالدین. (اعراف، ۲۰/۷)

آنگاه شیطان، آدم و حوا هر دو را به وسوسه فریب داد تا زشتی های پوشیده آنان پدیدار شود و به دروغ گفت خدا شما را از این نهی نکرد جز برای اینکه مبادا در بهشت دو پادشاه شوید یا عمر جاودان یابید.

فوسوس الیه الشیطان قال یادم هل ادلک علی شجرة الخلد و ملک لا یبلی؛ (طه، ۲۰/۱۲۰)

شیطان در او وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا تو را بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنم.

و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوریث. (ق، ۱۶/۵۰)

و ما انسان را خلق کرده ایم و از وسوس و اندیشه های نفس او کاملاً آگاهیم که از رگ گردن به او نزدیکتریم.

۲. فراموشی از کارهای خوب و دچار غفلت شدن: و اذا رایت الذین یخوضون فی ایاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره و اما ینسینگ الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین. (انعام، ۶۸/۶)

ای رسول ما چون گروهی را دیدی که برای خرده گیری و طعن زدن در آیات ما گفت

و گو می کنند از آنان دوری گزین تا در سخنی دیگر وارد شوند و چنانچه شیطان البته فراموشست ساخت بعد از آنکه متذکر کلام خدا شدی دیگر با گروه ستمگران مجالست مکن.

۳. ایجاد دشمنی و کینه: انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوة فهل انتم منتهون (مائده، ۹۱/۵)

شیطان قصد آن دارد که بوسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد پس شما آیا از آن دست برمی دارید؟

۴. فرمان به بدی و زشتی: انما یامرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون. (بقره، ۱۶۹/۲)

(با توجه به آیه قبل) این دشمن است که به شما دستور بدکاری و زشتی می دهد و بر آن می گمارد که سخنانی از روی جهل و نادانی به خدا نسبت دهید.

یا ایها الذین امنوا لا تتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یأمر بالفحشاء و المنکر و لو لا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد ابدا و لکن الله یرزق من یشاء والله سمیع علیم. (نور، ۲۴/۲۱)

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید زنها پیروی شیطان می کنید که هر کسی قدم به قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت منکرش وامی دارد و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود احدی از شما پاک و پاکیزه نشدی لیکن خدا هر کس را می خواهد منزّه و پاک می گرداند که خدا شنوا و داناست.

۵. وعده های فریبنده: یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا (نساء، ۱۲۰/۴)

شیطان وعده بسیار دهد آرزومند و امیدوار کند ولی وعده و نوید شیطان چیزی به جز غرور و فریب خلق نیست.

و استفزرن من استطعت منهم بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الاموال و اولاد و عدہم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا. (اسراء، ۱۷/۶۴)

(خطاب خداوند به شیطان) برو با جمله لشکر سوار و پیاده ات بر آنها احاطه کن و در اموال و اولاد هم با ایشان شریک شو و به وعده های دروغ آنها را بفریب و مغرور ساز. باری ای بندگان بدانید که وعده شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود.

۶. ترساندن: انما ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مومنین (آل عمران، ۱۷۵/۳) البته این سخنان شیطانی است که می ترساند و مضطرب می کند به آن دوستانش را. شما مسلمانان ایدا از این سخنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمان هستید.

۷. جنگ ها و نزاع های بی حاصل: یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدوا مبین. (بقره، ۲۰۸/۲)

ای اهل ایمان همه متفقا نسبت با اوامر خدا در مقام تسلیم درآئید و از وسوسه تفرقه آور شیطان پیروی مکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است.

۸. ترس از فقر: الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء و اللّٰه یعدکم مغفره منه و فضلا و الله واسع علیم. (بقره، ۲۶۸/۱)

شیطان به وعده فقر و ترس بی چیزی، شما را به کارهای زشت و بخیلی وادار کند. ۹. گمراهی: الم تر الی الذین یزعمون انهم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضلّهم ضلّالا بعیدا (نساء، ۶۰/۴)

آیا ننگری و عجب نداری از حال آنانکه بگمان و دعوی خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده اند، چگونه باز می خواهند طاغوت را حاکم خود گمارند در صورتی که مامور بودند که به طاغوت کافر شوند، و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند آن گونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور باشند.

۱۰. کارهای بد را خوب جلوه دهد و کارهای خوب را بد: فلولا اذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون. (انعام، ۴۳/۶)

چرا وقتی که بلای ما به آنها می رسید تضرع و زاری نکردند بدین سبب که دلهاشان را قساوت فرا گرفت و شیطان کردار زشت آنها را در نظرشان زیبا نمود.

۱۱. شراب و قمار از ابزارهای شیطان: یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون. (مائده، ۲/۵)

ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی همه اینها پلیسید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید.

۱۲. وسوسه شیطان به منزله از دست دادن لباس: یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة یزع عنهما لباسهما لیریهما سواتهما انه یریکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون. (اعراف، ۲۷/۷)

ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را فریب دهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. جامه عزت از تن آنان برکند و قبایح آنان را در نظرشان پدید آورد همانا آن شیطان و خویشان و بستگانش شما را می بینند در صورتی که شما آنها را نمی بینید ما نوع شیطان را دوستدار آنان که به خدا ایمان نمی آوردند قرار داده ایم.

نقش های منفی شیطان

با توجه به آیات قرآن اکنون ببینیم چه کارهایی در دست شیطان است.

۱. اولین کاری که شیطان انجام می دهد آن است که انسان را خوار کند: لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی و کان الشیطان للانسان خذولا. (فرقان، ۲۹/۲۵)

رفاقت او (شیطان) از پیروی قرآن و رسول حق مرا محروم ساخت و گمراه گردانید، آری دوستی شیطان برای انسان مایه خذلان و گمراهی است.

همیشه می خواهد کاری کند که انسان را رسوای خاص و عام نموده، لذا اول وادار می کند سپس زمینه تخریب و رسوایی را فراهم می سازد یعنی ابزاری را فراهم می کند که آبرویش برود و همه چیز آشکار گردد. نتیجه آن است که تحقیر کند یعنی بر ضد کرامت انسان حرکت کند، چنانکه گاهی مواقع انسان در مورد دیگران چنین کاری را انجام می دهد تا آبروی دیگران را می برد خدا کتوم است یعنی حافظ اسرار است. یا ستار العیوب است اگر انسان برخلاف این صفت کاری انجام دهد، کار ضد خدایی کرده، که از مظاهر شیطان است.

۲. کارهای زشت را زیبا جلوه می دهد: وجدتها و قومها یسجدون للشمس من دون الله و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون. (نمل، ۲۴/۲۷)

آن زن را با تمام رعیتش یافتم که خدا را از یاد برده و به جای خدا خورشید را می پرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را به کلی از راه خدا بازداشته تا هرگز به حق هدایت نیابند.

و عَادَا وَ ثَمُودَا وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَ زِينِ لَهُمُ الشَّيْطَانِ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ . (عنكبوت، ۲۹/۳۸)

و قوم عاد و ثمود را که منازل خراب و ویرانشان را به چشم می بینید آنها نیز با آن که بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه حق آنها را بازداشت همه هلاک و نابود گردیدند .

۳ . اغواگری و فریب دهندگی : فَازْلِهِمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ أَلَىٰ حِينٍ . (بقره، ۲/۳۶)

پس شیطان آدم و حوا را به لغزش افکند تا از آن درخت خوردند و بدین عصیان آنان را از آن مقام بیرون آورد . پس گفتیم که از بهشت فرود آید که برخی از شما برخی را دشمنید و شما در زمین تا روز مرگ قرار و آرامگاه خواهد بود .

۴ . فتنه گری و فتنه اندازی : يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكَ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا أَنَّهُ يَرِيكَ هُوَ وَ قَبِيلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ أَنَا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ . (اعراف، ۷/۲۷)

ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را فریب دهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد . جامه عزت از تن آنان برکند و قیابح آنان را در نظرشان پدید آورد همانا آن شیطان و خویشان و بستگانش شما را می بینند در صورتی که شما آنها را نمی بینید . ما نوع شیاطین را دوستدار آنان که بخدا ایمان نمی آوردند قرار دادیم .

۵ . شیطان وسوسه گرا : فَسُوسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مَلِكٌ لَا يَلِي . (طه، ۲۰/۱۲۰)

باز شیطان در او وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا ترا بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنم .

و اما يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ أَنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . (اعراف، ۲۰/۲۰)

و چنانچه بخواهد از طرف شیطان در تو وسوسه و جنبشی پدید آید به خدا پناه بر که او به حقیقت شنوا و داناست .

۶ . ایجاد دشمنی و کینه : أَنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ . (مائده، ۵/۹۱)

شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد پس شما آیا از آن دست برمی دارید.

۷. بسیار گمراه کننده: الم تر الی الذین یزعمون انهم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا. (نساء، ۴/۶۰)

آیا ننگری و عجب نداری از حال آنانکه به گمان و دعوی خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده اند چگونه باز می خواهد طاغوت را حاکم خود گمارند در صورتی که مامور بودند که به طاغوت کافر شوند و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند آن گونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور باشند.

۸. دعوت به فقر و فحشا: الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء و اللّٰه یعدکم مغفره منه و فضلا و الله واسع علیم. (بقره، ۲/۲۶۸)

شیطان به وعده فقر و ترس و بی چیزی شما را به کارهای زشت و بخیلی وادار کند و خداوند به شما وعده آمرزش و احسان دهد و خدا را فضل و رحمت بی منتهاست و به همه امور جهان داناست.

۹. لغزاننده و سبب انحراف: ان الذین تولوا منکم یوم النقی الجمعان انما استزلهم الشیطان ببعض ما کسبوا و لقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم. (آل عمران، ۳/۱۵۵)

همانا آنان که از شما در جنگ پشت کردند و منهزم شدند شیطان آنها را به سبب نافرمانی و بر کردارشان به لغزش افکند و خدا از آنها درگذشت که خدا آمرزنده و بردبار است.

۱۰. ترساننده از کارهای خیر: انما ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین. (آل عمران، ۱۷۵/۱۷۵)

البته این سخنان شیطان است که می ترساند و مضطرب می کند به آن دوستارانش را که شما مسلمانان ابتدا از این سخنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمان هستید.

۱۱. ایجاد غرور در انسان: یعدهم و یمینهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا. (نساء، ۴/۱۲۰)

شیطان وعده بسیار دهد و آرزومند و امیدوار کند ولی وعده و نوید شیطان چیزی به

جز غرور و فریب نیست.

۱۲. باعث فراموشی و بی توجهی به کارهای خیر و احترام به دیگران: و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین. (انعام، ۶۸/۶)

ای رسول ما چون گروهی را دیدی که برای خرده گیری و طعن زدن در آیات ما گفت و گو می کنند از آنان دوری گزین تا در سخنی دیگر وارد شوند و چنانچه شیطان البته فراموشت ساخت بعد از آنکه متذکر کلام خدا شدی دیگر با گروه ستمگران مجالست مکن.

۱۳. ایجاد اختلاف میان خانواده و برادران: و رفع ابویه علی العرش و خرّوا له سجدا و قال یا ابت هذا تاویل ربای من قبل قد جعلها ربی حقا و قد احسن بی اذا اخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو من بعد ان نزع الشیطان بینی و بین اخوتی ان ربی لطیف لما یشاء انه هو العلیم الحکیم. (یوسف، ۱۲/۱۰۰)

آنگاه پدر و مادر را بر تخت بنشانند و آنها به شکرانه خدا را سجده کردند و یوسف در آن حال پدر را گفت که این بود تعبیر خوابی که از این پیش دیدم که خدای من آن خواب را واقع و محقق گردانید و درباره من احسان فراوان نمود که مرا از تاریکی زندان نجات داد و شما را از بیابان دور به اینجا آورد پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فساد کرد و مدتی جدایی افکند که خدای من لطف و کرمش به آنچه مشیتش تعلق گیرد شامل شود و هم او دانا به حقیقت امور و محکم کار در تدبیر آفرینش است.

فرجام رفتارهای شیطان با انسان

۱. همنشینی با شیطان: و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین. (زخرف، ۴۳/۳۶)

هر که از یاد خدا رخ بتابد شیطان را برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد.

۲. بازداشتن از راه و راضی بودن به انحراف: و انهم لیصدونهم عن السبیل و یحسبون انهم مهتدون. (زخرف/۳۷)

و آن شیاطین همیشه آن مردم از خدا غافل را، از راه خدا باز می دارد و به ضلالت درافکنند و پندارند که هدایت یافته اند.

۳. همراهی با شیطان، اعوان و انصارشان: قال اذهب فمن تبعك منهم فان جهنم جزاؤکم جزاء موفورا. (اسراء، ۱۷/۶۳)

خدا به شیطان گفت برو که هر کس از اولاد آدم پیرو تو گردد با تو به دوزخ که پاداش کامل شماسست کیفر خواهد شد.

۴. ایجاد فراموشی و داخل شدن در حزب شیطان یعنی تشکیلاتی عمل می کند: استحوذ علیهم الشیطان فانهم ذکرالله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون. (مجادله، ۱۹/۵۸)

شیطان بر آنها سخت احاطه کرده که فکر و ذکر خدا را به کلی از یادشان برد و آنان حزب شیطانند. ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان به حقیقت زیانکاران عالمند.

۵. انحطاط و ذلت برای پیروی: قال هذا صراط علی المستقیم. ان عبادی لیس لک علیهم سلطان الا من اتبعک من الغاوین. (حجر، ۱۵/۴۱-۴۲)

خدا فرمود همین اخلاص و پاکی سریرت راه مستقیم به درگاه رضای منست و هرگز ترا بر بندگان با خلوص من تسلط و غلبه نخواهد بود لیکن اقتدار و سلطه تو بر مردم نادان گمراهی است که پیرو تو شوند.

۶. خسارت سنگین و آشکار: و لا ضلنهم و لا منینهم و لا مرنهم فلیبتکن اذان الانعام و لا مرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطان ولیا من دون الله فقد خسر خسرا مبینا. (نساء، ۴/۱۱۹)

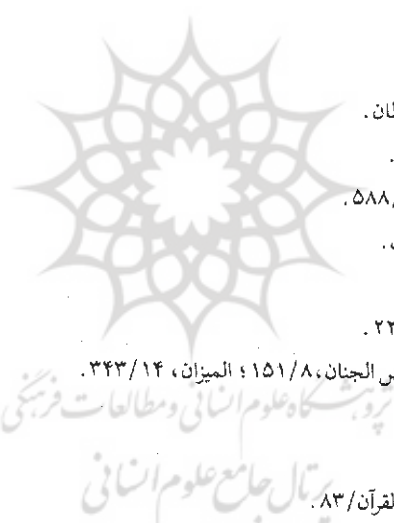
و سخت گمراه کنم و به آرزوهای باطل دور و دراز افکنم و به آنها دستور دهم تا گوش حیوانات را ببرند و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند. هر کس شیطان را دوست دارد نه خدای مهربان آفریننده را، سخت زیان کرده زبانی که آشکار است.

قرآن کریم با بیان داستان هایی که شیطان در آنها نقش دارد به آنها هشدار می دهد که متوجه این دشمن بزرگ بشریت باشد. برخی از آنها عبارتند از:

داستان هابیل و قابیل، داستان حضرت آدم، حضرت ابراهیم که چندین قصه دارد، (داستان ابراهیم و ساره، ابراهیم و هاجر، ابراهیم و اسماعیل)، حضرت زکریا، سلیمان، داود، یعقوب و فرزندان او، قضایایی مفصل در مورد بنی آدم و نقش شیطان، حضرت شعیب، حضرت عیسی، حواریون و ...

نتیجه گیری

۱. هدف آن است که آگاه شویم که قرآن کریم راجع به شیطان چه مسائلی را مطرح کرده است.
۲. دیگر آنکه از آن نقشه ها به نفع مسیر الهی استفاده کنیم و بر نقشه های شیطانی چیره شویم.



پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اقرب الموارد، ماده شطن.
۲. فرهنگ عربی به فارسی، شیطان.
۳. لغتنامه دهخدا، ۹/۱۲۹۶۶.
۴. دائره المعارف قرآن کریم، ۱/۵۸۸.
۵. مجمع البحرین، ماده شیطان.
۶. مفردات، ماده شیطان.
۷. دائره المعارف تشیع، ۱۰/۲۲۰.
۸. جامع البیان، ۱/۳۳۶؛ روض الجنان، ۸/۱۵۱؛ المیزان، ۱۴/۳۴۳.
۹. تفسیر المیزان، ۷/۳۲۱.
۱۰. اعلام القرآن/۸۳.
۱۱. الفرقان، ۱/۳۰۶؛ اعلام القرآن/۸۳.
۱۲. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۲/۱۳۴۹.
۱۳. تاریخ بلعمی، ۱/۱۶۱.
۱۴. دائره المعارف شیعه، ۲/۱۹۹.
۱۵. Angra maieny.
۱۶. نهج البلاغه، خ ۱۹۰.
۱۷. همان.
۱۸. ترجمه تفسیر المیزان، ۱/۶۳۱.